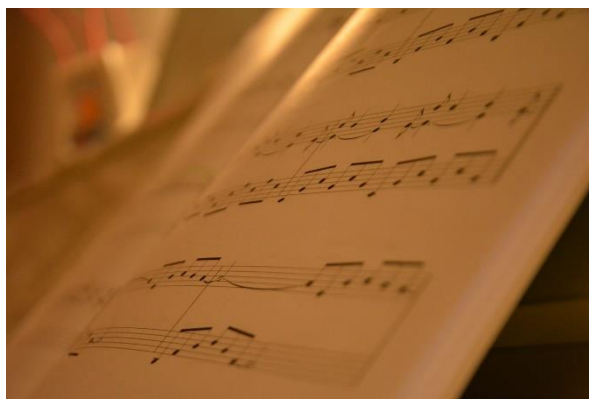


باری، همه شما یکدل و همدرد و برادر دوست و دلسوز و فروتن باشید. 9 بدی را با بدی و دشنام را با دشنام پاسخ مگویید، بلکه در مقابل، برکت بطلبید، زیرا برای همین فرا خوانده شده‌اید تا وارث برکت شوید. 10. زیرا، «هر که دوستدار حیات است و خواهان دیدن روزهای نیکو، باید زبان از بدی باز دارد و لبان از فریب فرو بندد. 11 باید از بدی روی بگرداند و نیکویی پیشه کند؛ آرام بجوید و در پی صلح باشید. 12. زانرو که چشمان خداوند بر پارسایان است و گوشه‌ایش به دعای ایشان، اما روی خداوند به ضد بدکاران است. 13.» اگر برای نیکویی کردن غیورید، کیست که به شما ضرر رساند؟ 14 اما حتی اگر در راه حق رنج دیدید، خوشا به حالتان! «از آنچه آنان می‌ترسند شما مترسید 15 بلکه در دل خویش مسیح را



به عنوان خداوند مقدس شمارید و همواره آماده باشید تا هر کس دلیل امیدوی را که در شماست بپرسد، او را پاسخ بگویید، اما بعنرمی و با احترام. 16. وجدانتان را پاک نگاه دارید تا کسانی که رفتار نیک شما را در مسیح بد می‌گویند، از بدگویی خویش شرمسار شوند. 17. زیرا اگر خواست خدا باشد، بهتر است برای نیکوکاری رنج ببرید تا بدکرداری

فریدریش فون شیلر وضعیت دنیا را اینگونه توصیف می‌کند. او می‌نویسد: «این طلسم اعمال شیطانی است که همیشه شریزرگتر را به دنیا می‌آورد.»

همه ما می‌توانیم معنی حرف شیلر را درک کنیم. زندگی ما به همان شکل است که شر در حال افزایش است. در اینجا، با استفاده از یک مثال، این مفهوم توضیح داده شده است: یک مرد گفت که چقدر از خانواده‌اش آسیب دیده و ناامید است. زمانی که او در تعطیلات بود، پدرش درگذشت. در غیاب او، خواهران و برادرانش خانه و اموال پدر را به هم ریختند و بهترین اموال پدر را به خانه‌های خودشان بردند. وقتی مرد برگشت، تنها کاری که بایستی انجام می‌داد، بیرون آوردن زباله بود. این رفتار خواهران و برادرش به شدت به او صدمه زد. او ناامید و عصبانی شد و گفت: "خیلی عصبانی بودم، همواره می‌لرزیدم، بی دلیل به خانواده‌ام توهین می‌کردم و شب‌ها نمی‌توانستم بخوابم، حتی غذا را دوست نداشتم چون عصبانیت بدنم را هم تحت تأثیر قرار داده بود. اگر چه شرارت توسط دیگران انجام شده است، باز تابش گسترده‌تر از یک مکان است و اغلب بر افرادی که هیچ ارتباطی با آن ندارند، تأثیر می‌گذارد. شر مانند ورطه‌ای است که همه چیز و همه کس را به طلسم خود می‌کشاند. احساس عصبانیت یا آسیب‌دیدگی ناخوشایند است! متن خطبه امروز نه تنها یک دعوت علیه شر است، بلکه یک ضدبرنامه کامل است: «بدی را با بدی و دشنام را با دشنام پاسخ مگویید، بلکه در مقابل، برکت بطلبید.» گناه بر گناه، دشمنی بر دشمنی و آزار بر انتقام متقابل پیروز نمی‌شود. این تنها وضعیت را بدتر می‌کند. به جای پاسخ دادن بدی با بدی و دشنام با دشنام، باید با نیکی جواب دهیم. به عبارت دیگر: ما باید بر اساس رفتار انسانی عمل نکنیم، بلکه بر اساس برکت خدا که او به ما داده است. متن پطرس می‌گوید: در برابر بدی، برکت بخواهید. فردی که به بدی با بدی پاسخ می‌دهد، بنده بدی می‌شود. کسی که به جای دشنام برکت می‌دهد، آزاد می‌ماند. این شخص فرزند خداست و به آنچه که شیطان بر او تحمیل می‌کند واکنش نشان نمی‌دهد، بلکه به قدرت خلاق خدایمان. این رفتار قدرت خلاقیت را آزاد می‌کند. فردی که اینگونه رفتار می‌کند، نقشی را اجرا می‌کند که خدا برایش برنامهریزی کرده است. او بر طبق الگوی جهان نمی‌رقصد بلکه خدا را پیروی می‌کند. یک مثال در این مورد دارم: یک دختر در مدرسه موسیقی پیانو تمرین می‌کرد. در همان زمانی که او سعی می‌کرد تمرکز کند، یکی از همکلاسی‌های وی با ترومپت وارد اتاق شد و صدای آرام پیانو را با صدای بلند ترومپت ساکت کرد. اولین انگیزه او این بود که ترومپت را همراه صاحبش از پنجره به بیرون پرت کند. اما در عوض، او کار دیگری انجام داد. او شروع به هماهنگ کردن پیانو با نت‌های کج و کوج ترومپت کرد و چیزی جدید خلق کرد. او سعی کرد ملودی پیدا کند که با صدای ترومپت هماهنگی برقرار کند. این کار باعث ایجاد چیزی کاملاً جدید شد! زندگی ما به عنوان مسیحیان در این دنیا می‌تواند به این شکل باشد. آیا می‌توانید به این شکل زندگی کنید؟ عقل سلیم می‌گوید "نه". نمی‌توانید صدایی هماهنگ را بین همه چیز برقرار کنید، دلیل آن این است که ما در دنیایی آلوده به گناه زندگی می‌کنیم. حتی ممکن است اتفاق بیفتد که هر چقدر هم برکت بدهیم، شر همچنان باقی بماند. بله، حتی ممکن است بدتر شود. حتی ممکن است مسیحیان دقیقاً به این دلیل که برکت می‌دهند مورد نفرت قرار گیرند. احتمالاً همین اتفاق است که برای مسیحیان اولیه، که این نامه به آنها خطاب شده بود، رخ داده است. یک مورخ برجسته رومی، تاسیتوس، در مورد مسیحیان در آن زمان به این شکل نوشت: "اما هیچ تدارک انسانی، هیچ فضل شاهزادگان، یا کفاره خدایان نمی‌توانست مسیحیان را از بین ببرد." و در ادامه گفت که مسیحیان از مردم بیزارند. به چه دلیل تاسیتوس به این نتیجه رسید؟ من فقط می‌توانم حدس بزنم که او متوجه شده بود که این مسیحیان متفاوت از دیگران بودند. آنها احتمالاً

دقیقاً به این دلیل متمایز بودند که نت‌های خدا را می‌نواختند، و نت‌های امپراطوری را رد می‌کردند. آنها متفاوت بودند زیرا نفرت را با نفرت و خشونت را با خشونت پاسخ نمی‌دادند. آنها طبق رفتار انسان‌های آن زمان عمل نمی‌کردند، بلکه به خدمت انسان‌ها می‌پرداختند. آنها دقیقاً همان چیزی را انجام می‌دادند که پطرس در نامه خود دستور داد: "بدی را با بدی و دشنام را با دشنام پاسخ نمی‌دهیم" و "به جای سرزنش، سرزنش نمی‌کنند. البته، گفتن همه اینها خیلی راحت‌تر از انجام آن است... و من فکر نمی‌کنم که ما بتوانیم فقط با انجام خوبی، شر را از دنیا بیرون کنیم. علاوه بر این، ممکن است بهترین اعمال خوب ما در حقیقت فقط چیزهای شیطنی باشند که در پوششی پر هیزگاران ظاهر شده‌اند... و ما مسیحیان نمی‌توانیم انکار کنیم که ما نیز در دنیا هستیم. ما نیز احساس نفرت، بیزاری و دشمنی داریم. این احساسات نه تنها در دنیای بیرون، بلکه در میان ما مسیحیان نیز وجود دارد. چه اتفاقی باید بیفتد تا همه چیز را تغییر دهد؟ در نهایت، خدا خودش جای ما را گرفت. خود خدا به جای ما لعنت شد. او با مرگ خود بر روی صلیب، نفرین ما را به برکت تبدیل کرد. خداوند افراد بد را با نیکی ملاقات کرده است. و این خیر، که واقعاً فقط به عیسی تعلق دارد، به ما عطا شده است. به همین دلیل است که در آیه ۱۵ نوشته شده است: "در دل خود مسیح را به عنوان خداوند مقدس بشمارید. از این آیه آشکار است که چگونه می‌توانیم با شر مقابله کنیم. آنچه باید اتفاق بیفتد این است که مسیح در مرکز زندگی ما قرار دارد. او دل سنگین ما را نرم می‌کند تا بتوانیم خداوند خدایمان را با تمامی دل، تمامی جان، تمامی قوت و تمامی فکرمان محبت نماییم. واضح است که ما انسان‌ها نمی‌توانیم با بدی کنار بیاییم. مسیح به تنهایی از قبل مقدس، عادل و نیک است. و این مسیح قدوسیت خود را به ما منتقل می‌کند. حضور او باید حتی تاریک‌ترین گوشه‌های زندگی ما را روشن کند. زندگی ما باید مملو از روح او باشد تا بتوانیم عشق و بخشش او را نیز در زندگی خود تجربه کنیم. جمله ای که می‌گوید ما باید "مسیح خداوند را در دل‌های خود تقدیس کنیم" همچنین به طور خلاصه بیان می‌کند که چرا مسیحیان فرق دارند. هر کسی که در مورد این حقیقت که مسیح واقعاً خداست و واقعاً خود را از طریق غسل تعمید با ما مرتبط کرده است، با خبر است، می‌داند که زندگی فراتر از این دنیا است. خداوند عیسی که بر مرگ پیروز شده است، نیز قوی‌تر از احساس رنج ما است. او همچنین از هر چیزی که ما را می‌ترساند، قوی‌تر است. دیدگاه ی عیسی مسیح، ما را به صورت کلی تغییر می‌دهد! ایمان به عیسی مسیح چشم‌اندازی از ابدیت را باز می‌کند. این بدان معناست که زندگی ما، چه زیبا، چه غمگین و چه هر دو، به آنچه در اینجا و اکنون برای ما اتفاق می‌افتد بستگی ندارد، بلکه به ارتباط با عیسی مسیح بستگی دارد. هنگامی که عیسی مسیح در قلب ما ساکن است، طبیعی است که جهان به آن توجه کند. دنیا متوجه خواهد شد زیرا چرخه ی خودکار خشونت و شر شکسته خواهد شد. ما در زندگی با افراد شرور زیادی روبرو خواهیم شد. این همه افراد هستند که می‌توانیم ببخشیم، همانطور که خدا ما را بخشیده است. وقتی این عشق به خدا در زندگی ما جا پیدا کند، تأثیرات آن بی‌حد و حصر است. شر دیگر زیاد نمی‌شود، بلکه خیر افزایش می‌یابد. چنین چیزهایی زمانی اتفاق می‌افتد که خدا در ما فضا پیدا کند. آمین